

راهبردهای حمایتی سازمان ملل متحد، ایران و اسلام در تأمین امنیت بزه‌دیدگان و شهود قاجاق انسان

جمال بیگی^۱

چکیده

پاس داشت عدالت و دادگستری و صیانت از شهروندان به ویژه در مقام همکاری با کارگزاران نظام عدالت کیفری از یک سو و سیاست جنایی افتراقی متأثر از رهیافت‌های بزه‌دیده‌شناسی حمایتی از سوی دیگر، ایجاد می‌کند که امنیت بزه‌دیدگان و شهود به انحای مختلف تأمین شود. سازمان‌یافتگی، فراملی بودن و گروهی و گسترده بودن جنایت قاجاق انسان، اقتضاء می‌کند که بزه‌دیدگان قاجاق، خود به عنوان شاهد در جریان محاکمه حضور یابند و به نفع خود و سایر بزه‌دیدگان، گواهی دهند. از سوی دیگر، معمولاً مرتکبان و سایر عوامل قاجاق از قدرت و نفوذ بالایی برخوردارند و به نوعی تحت پوشش مقام‌های با نفوذ قدرت‌های حاکم، این جنایت را مرتکب می‌شوند. به همین جهت، حمایت از بزه‌دیدگان و شهود قاجاق انسان و اتخاذ تدابیری نظیر استفاده از نام‌های مستعار، عدم افشای هویت بزه‌دیدگان و شهود برای وسایل ارتباط جمعی و عموم مردم ضروری به نظر می‌رسد. شهادت دادن از طریق ارتباط ویدئو کنفرانس، سکونت بزه‌دیدگان و گواهان طی مدت حضورشان در مقر دادگاه در خانه‌های امن مجهز به کمک‌های پزشکی و روانپزشکی، ادای شهادت پشت درهای بسته و استفاده از بازسازی یا دستکاری تصاویر به منظور پیشگیری از تهدید و انتقام‌جویی آنها و رفع موانع احتمالی در فرایند عدالت کیفری و به ویژه در مسیر ادای گواهی، در تأمین امنیت شهود مؤثر است. اتخاذ این تدابیر امنیتی و سایر مصادیق حمایت امنیتی، می‌بایستی در رابطه با قربانیان و شهود کم‌سن و سال جدی‌تر و دقیق‌تر در نظر گرفته شود و حتی‌المقدور متناسب با وضعیت آسیب‌شناسانه اشخاص زیر ۱۸ سال باشد. در این مقاله سعی شده است تا راهبردهای حمایتی در تأمین امنیت بزه‌دیدگان و شهود این جنایت‌های سازمان‌یافته فراملی در حقوق ایران و اسلام در پرتو سیاست جنایی سازمان ملل مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: قاجاق انسان، امنیت، بزه‌دیدگان، شهود، تدابیر حمایتی، پروتکل پالمو، راهبردهای فقهی.

۱- دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

مقدمه

قاچاق انسان که عبارت است از تصدی‌گری در امر خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد (اعم از زن یا مرد) از مرز کشور با توسل به اجبار و اکراه یا تهدید یا حيله و نیرنگ یا با سوءاستفاده قاچاقچی از قدرت یا موقعیت خود یا وضعیت خاص فرد یا افراد یاد شده به قصد فحشا و بهره‌کشی جنسی و اقتصادی یا برداشت اعضاء یا وادار کردن به بردگی اجباری یا ازدواج^۱، در واقع یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های حقوق بشر است که ابعاد زیانبار آن امنیت و سلامت روحی و روانی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع را در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی به خطر می‌اندازد. تا جایی که حتی جنبش‌های طرفدار حقوق بشر به ویژه جنبش‌های حامی حقوق زنان و کودکان هم به سختی می‌توانند بر روند جریان‌های ظالمانه حاکم بر جوامع در این زمینه، تأثیر بگذارند (موثقی و اسفندیاری، قاچاق انسان؛ بردگی در عصر جدید: ۲۸۸). افزون بر آن، به دلیل نابرابری وضعیت بودن موقعیت اجتماعی بزه‌دیدگان نسبت به جنایتکاران قاچاق انسان، در صورت عدم اتخاذ اقدامات امنیتی چه بسا بزه‌دیدگان هرگز جرأت شکایت و اعلام جرم را پیدا نکنند (سلیمی، قاچاق انسان به عنوان جنایت سازمان‌یافته فراملی: ۵۲). باندهای تبهکاری از یک‌سو قربانیان را از واکنش مقام‌های دولت محل اقامت می‌ترسانند و از سوی دیگر چنان چه قربانیان بخواهند علیه این باندها شکایت کنند یا به هنگام دستگیر شدن بخواهند در مورد سوءاستفاده‌کنندگان خود اطلاعاتی به مقام‌های دولتی داده یا علیه آنها شهادت دهند، همواره نگران انتقام‌جویی آنها خواهند بود و لذا بزه‌دیدگان به عنوان شاهدان عینی این جنایت، تنها در صورتی حاضر به همکاری می‌شوند که اطمینان یابند تضمین کافی نسبت به جان آنها در مقابل احتمال انتقام‌جویی عوامل قاچاق وجود دارد. از این رو محاکم باید از قربانیان و خانواده آنها که به عنوان شاهد به دادگاه می‌آیند، در مقابل احتمال انتقام از طرف‌های مقابل، با اتخاذ تدابیر لازم و مقتضی

۱- در خصوص مفهوم قاچاق انسان ر.ک: تعریف ارائه شده توسط سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴، بند الف ماده‌ی ۳ پروتکل پارمرو (مصوب ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل)، بند ۳ ماده ۱ کنوانسیون اتحادیه آسیای شرقی برای همکاری منطقه‌ای (سارس) راجع به پیشگیری و مبارزه با قاچاق زنان و کودکان برای روسی‌گری (که در سال ۲۰۰۲ در پایتخت نپال به تصویب رسیده است)، ماده‌ی ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان (مصوب ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی) و سایر اسناد مربوط به قاچاق انسان.

حمایت کنند. امروزه در کنار تأمین امنیت بزه‌دیدگان در فرایند دادرسی، یکی از لوازم دادرسی منصفانه و اجرای عدالت این است که بزه‌دیده به راحتی بتواند شهود له خود را به مقام صالح قضایی معرفی کند و لذا اگر موانعی در اجرای این حق بزه‌دیده به وجود آید بایستی برطرف شود. به عبارت دیگر، از شهود بزه‌دیده همانند شهود متهم بایستی حمایت‌های لازم را به عمل آورد. چرا که دادرسی منصفانه بایستی ضامن حقوق متهم و بزه‌دیده به صورت مساوی باشد. علاوه بر اقدامات و تدابیر غیرکیفری مختلفی نظیر برگزاری جلسات دادگاه به صورت غیرعلنی، تا جایی که ممکن است باید از رویارویی اجباری بزه‌دیده یا گواهان او با متهم قاچاق در فرایند رسیدگی جنایی جلوگیری کرد. در غیر این صورت، حداقل به هنگام رویارویی باید از آنان حمایت و مراقبت کرد. زیرا این حمایت، از آسیب‌های احتمالی به بزه‌دیده پیشگیری می‌کند و به ویژه برای بزه‌دیدگانی که دارای ارتباط خانوادگی یا دوستی با متهم‌اند، بسیار اهمیت دارد. به همین منظور، می‌توان اتاق‌های ویژه‌ای برای انتظار بزه‌دیدگان و گواهان قاچاق پیش‌بینی کرد یا راه‌های خروجی مناسبی برای آنان در ساختمان دادگاه در نظر گرفت که جامه عمل پوشاندن به آنها عمدتاً به دوش دستگاه قضایی است (ر.ک: باقری‌نژاد، حمایت از شهود در فرایند کیفری: ۱۱۱). البته دستگاه عدالت کیفری فقط مسئول تأمین امنیت در مجتمع‌های پلیسی و قضایی نیست، بلکه خارج از این محوطه هم بزه‌دیده و شهود بایستی احساس امنیت کنند و در برابر تهدیدها و اقدام‌های تلافی‌جویانه متهم و اطرافیان او مصون باشند (ابراهیمی، بزه‌دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران: ۲۹۶) قانون‌گذار به دلیل ماهیت خاص قاچاق انسان و در جهت همسویی با سیاست جنایی افتراقی حمایت از بزه‌دیدگان جنایات سازمان‌یافته فراملی، بایستی به تدابیر و اقدامات کیفری ماهوی و شکلی چون جرم‌انگاری و بازداشت موقت متهم نیز توجه کند. در این نوشتار برآنیم تا سیاست جنایی سازمان ملل متحد و ایران را در خصوص این اقدامات حمایتی با نگاه اجمالی بر پیشینه برخی از این راهبردها در آموزه‌های اسلامی مورد بررسی قرار دهیم. زیرا، شرع مقدس اسلام بر آزادی، ارزش و کرامت انسان تأکید و توجه خاصی دارد و ادله قرآنی و روایی و

قواعد فقهی دلالت می‌کند که قاچاق انسان حرام است و در فتاوی بسیاری از علما و فقها از گناهان کبیره شمرده شده است (برای نمونه ر.ک: سرخسی المیسوط، ج ۸: ۲۷).

۱- جرم‌انگاری تهدید و توهین به بزه‌دیده و شاهد قاچاق انسان

در اغلب موارد شناسایی، دستگیری و محکوم کردن باندهای قاچاق انسان بسیار دشوار است. زیرا از یک‌سو، قربانیان از انتقام‌گیری قاچاقچیان از آنان و خانواده‌شان بیم دارند و از سوی دیگر فقدان حمایت‌های لازم از شاهدان نیز امر شهادت دادن علیه مرتکبان این جنایت را در دادگاه‌ها دشوار ساخته است (اشتری، قاچاق زنان و بردگی معاصر: ۵۸) از این رو، اتخاذ تدابیر حمایتی در قوانین ماهوی کشورها یکی از شیوه‌هایی است که به منظور تأمین امنیت بزه‌دیدگان و شهود مورد استفاده قرار می‌گیرد. مهم‌ترین جنبه این حمایت را در قالب جرم‌انگاری اعمال لطمه‌زننده به تمامیت جسمانی یا معنوی بزه‌دیدگان و شهود این جنایات می‌توان ملاحظه کرد و لذا حمایت از آنها به عنوان یک ارزش مورد پذیرش در فرایند دادرسی، ایجاب می‌کند تا هر گونه اقدام برای نقض این ارزش، خواه از طریق تهدید یا توهین یا افشای هویت یا اقامتگاه بزه دیده و شاهد مشمول مجازات قرار گیرد.

۱-۱- جرم‌انگاری تهدید بزه‌دیده و شاهد

تهدید به اقدام علیه دیگری، از جمله اعمالی است که قانون‌گذاران کشورهای مختلف آن را در قوانین داخلی خود جرم تلقی کرده‌اند. در قوانین داخلی ایران، هر چند در قانون مبارزه با قاچاق انسان، تهدید بزه‌دیده و شاهد قاچاق انسان جرم انگاشته شده است، لیکن از اطلاق و عموم مواد مربوط به تهدید از جمله ماده ۶۶۹ قانون مجازات اسلامی، می‌توان تهدید بزه‌دیدگان و شهود قاچاق انسان را نیز استنباط کرد. این ماده مقرر می‌دارد که: «هر گاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید اعم از این که به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد، به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا زندان از ۲ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد». با توجه به این ماده، موضوع تهدید به قید حصر شامل قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و فشای سر گردیده و چون خواسته

تهدیدکننده و به عبارت دیگر، انگیزه وی برای ارتکاب جرم در نظر گرفته نشده است، بنابراین اگر مرتکب قاچاق انسان، بزه‌دیده یا شاهد این جنایت را به قتل یا سایر ضررهای ذکر شده تهدید کند و خواسته وی، عدم شکایت بزه‌دیده یا عدم شهادت شاهد باشد، می‌توان وی را برابر این ماده محکوم کرد. با وجود این، قانونگذار بایستی به صراحت به جرم‌انگاری (تهدید بزه‌دیدگان و شهود به منظور جلوگیری از اقامه دعوی و ادای شهادت) به عنوان یکی از جرایم علیه عدالت قضایی بپردازد و در جهت حمایت بهتر از بزه‌دیدگان جنایات سازمان‌یافته فراملی نظیر قاچاق انسان، مجازات مقرر قانونی را هم تشدید کند. بر همین پایه، به موجب بند ج ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱، لایحه حمایت از شهود و متهمان از جمله لوایح مهمی است که قوه قضائیه مکلف به تهیه آن شده است. وانگهی، در حالی که بزه‌دیده‌شناسی حمایتی ایجاب می‌کند که از بزه‌دیدگان و شهود، به منزله ابزارهای اجرای هر چه بهتر تحقق عدالت قضایی، در کنار هم و هم زمان حمایت و پشتیبانی شود، حقوق گواهان و متهمان در این لایحه به شکلی نامتعارف، همسو با یکدیگر در نظر گرفته شده‌اند (رایجیان اصلی، بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی: ۱۱۱). افزون بر این در صورتی که بزه دیده یا شاهد توسط مرتکب یا اشخاصی غیر از مرتکب جنایت قاچاق انسان تهدید شوند، با گرفتن ضمانت احتیاطی موضوع ماده ۱۴ قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ از مرتکب که به منظور پیشگیری از جرم و حمایت از بزه‌دیدگان وضع شده، می‌توان مانع به اجرا گذاشتن تهدید شد. با وجود ایرادهای وارده بر این ماده؛ نظیر کوتاه بودن مدت توقیف دو ماهه و موکول نمودن این ضمانت به درخواست تهدید شده، به دلیل فقدان نص صریحی در زمینه این اقدام حمایتی از شهود و بزه‌دیدگان، اصلاح این ماده (از طریق افزایش مدت توقیف با توجه به طولانی بودن فرایند رسیدگی و امکان اخذ ضمانت احتیاطی به وسیله دادگاه و بدون نیاز به درخواست تهدیدشدگان) به نحو بسیار مؤثری می‌تواند در جهت حمایت از بزه‌دیدگان و شهود قاچاق اشخاص مورد توجه قرار گیرد. تأمین امنیت شهود و بزه‌دیدگان به نوعی در ماده ۴۴ قانون موافقت نامه معاضدت قضایی متقابل در امور کیفری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت ترکمنستان نیز آمده است.

در اسناد بین‌المللی از جمله ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، ماده ۶۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی و ماده ۳۲ کنوانسیون مبارزه با فساد ملی (مریدا)^۱، برخی از موارد حمایتی از بزه‌دیدگان و شهود ذکر شده است هر چند در سیاست جنایی سازمان ملل، جرم‌انگاری تهدید بزه‌دیدگان و شهود به صراحت نیامده نیامده، لیکن از اطلاق عنوان مجرمانه ممانعت از حسن اجرای عدالت به شرح ماده ۲۳ کنوانسیون پالرمو، می‌توان این اقدام حمایتی کیفری را برداشت کرد. بنابراین دولت‌هایی که به این کنوانسیون ملحق شده‌اند می‌توانند به جرم‌انگاری تهدید بزه‌دیدگان و شهود قاچاق انسان به عنوان یکی از مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی در قوانین داخلی خود بپردازند. کما این که به موجب بند ۵ ماده ۶ پروتکل اول الحاقی به این کنوانسیون، هر یک از دول عضو بایستی کوشش کنند تا امنیت جسمی قربانیان قاچاق انسان را در زمانی که در قلمرو حاکمیتی آنان به سر می‌برند، تأمین کنند. علاوه بر آن، اجرای تدابیر منجر به بهبود جسمی، روانی و اجتماعی قربانیان این جنایت را هم می‌بایستی برابر بند ۳ همان قانون مورد توجه قرار دهند. در سطح سازمان ملل یک طرح نمونه در زمینه حمایت از شهود هم تهیه شده است که هدف آن تضمین این موضوع است که تحقیق و تعقیب جرایم مهم بر اساس تهدید و تطمیع شهود منحرف نشود. در این طرح نمونه، افشای اطلاعات مربوط به برنامه‌های حمایتی و مشارکت شهود در آنها نیز جرم‌انگاری شده است.

(www.unoac.org/pdf-witnead-protection-2002.pdf)

بند ۱ ماده ۶ پیش‌نویس کنوانسیون ۲۰۰۶، جهت به رسمیت شناختن حق تأمین امنیت بزهدیده و شهود، دولت‌های عضو را متعهد می‌سازد تا حفاظت از امنیت، سلامت بدنی و

۱- «هر کشور عضو بر اساس نظام حقوقی داخلی خود و در چارچوب امکانات خود اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهند نمود تا از شهود و کارشناسانی که در خصوص جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون شهادت می‌دهند و در صورت اقتضاء اقارب و سایر اشخاص نزدیک به آنها در مقابل تلافی یا تهدید بالقوه، حمایت موثر به عمل آورد...».

روانی، کرامت و خلوت بزهدیدگان و گواهان و در صورت لزوم بستگان و نزدیکان آنان را در برابر تهدید و انتقام تضمین کنند^۱.

حمایت و تضمین امنیت بزهدیدگان این جنایت، در کنفرانس‌های سازمان ملل متحد نظیر کنفرانس بین‌المللی قاهره در خصوص جمعیت و توسعه به سال ۱۹۹۴ و بیست و هفتمین اجلاس مجمع عمومی تحت عنوان جهانی شایسته برای کودکان به سال ۲۰۰۲ مورد تأکید قرار گرفته است و کمیته الغای تبعیض علیه زنان نیز در آگوست سال ۲۰۰۲، دولت‌ها را موظف کرده که به بزهدیدگان قاچاق انسان این اطمینان را بدهند که در صورت ادای شهادت علیه قاچاقچیان از امنیت بر خوردار خواهند بود.

(EGM, The United Nations response to trafficking in women and girls, Pp.4-5,7)

اصول و قواعد پیشنهادی در خصوص قاچاق انسان و حقوق بشر که توسط کمیسیون عالی حقوق بشر در سال ۲۰۰۲ منتشر شده است، گرچه در قالب یک معاهده نیست، اما به دلیل مرتبط بودن با کنوانسیون پالرمو که در آنها به حمایت از شهود هم پرداخته شده است، اهمیت زیادی دارد (ر.ک):

ILO, UNICEF & UN GIFT, Training manual to fight trafficking in children for labour, sexual & other forms of exploitation, textbook 1, P.20)

هم چنین بر پایه برنامه جهانی برای مقابله با قاچاق انسان، هر دولت عضو در موارد مقتضی و تا حد امکان بر اساس حقوق داخلی، باید تلاش کند تا برای امنیت جسمانی بزهدیدگان قاچاق انسان تا هنگامی که در قلمرو آن کشور متعاهد هستند، تدابیر لازم را بیاندیشند و تضمین کند که افراد قاچاق شده، به نحو مؤثری از صدمه‌های تهدید و ارباب قاچاقچیان و هم‌دستانشان محافظت شوند.

(Global programmer against in human beings, Toolkit to combat trafficking in persons, chapter 8 (victim Assistance), pp.351, 360)

۱- این پیش‌نویس توسط جامعه جهانی بزهدیده‌شناسی با همکاری موسسه بین‌المللی بزهدیده‌شناسی دانشگاه تیلبورگ هلند برای سازمان ملل (در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۶) تنظیم شده است. برای دیدن متن پیش‌نویس ر.ک: <http://www.world.societyofvictimology.org>

۱-۲- جرم‌انگاری توهین به بزه‌دیده و شاهد

هر چند قانون‌گذار ایرانی توهین را تعریف نکرده و تنها در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی به ذکر برخی مصادیق آن پرداخته است، لیکن برابر رویه قضایی ما منظور از توهین رفتاری است که عرفاً باعث تحقیر و تحقیر بزه‌دیده شود.^۱ افزون بر آن، مقام قضایی می‌بایستی رفتار متهم را موهن و اهانت‌آمیز تشخیص دهد به همین دلیل صرف خشونت در گفتار را نمی‌توان با توهین یا اهانت کیفری منطبق دانست.^۲ درخصوص توهین به بزه‌دیده و شاهد هم بایستی اذعان داشت که مقنن علاوه بر ماده فوق، طی مواد ۶۰۹، ۵۱۴، ۵۱۷ و ۷۰۰ همان قانون، توهین ساده و مشدده را جرم‌انگاشته و در اسناد تصویبی سازمان ملل هم همانند تهدید، جرم‌انگاری توهین به بزه‌دیده یا شاهد به صراحت نیامده است. لیکن از آن جا که اجازه اقدامات حمایتی ضروری از شاهد و بزه‌دیده به کشورها داده شده است، بنابراین در نظام حقوقی ایران هم به دلیل اهمیت گزارش‌های اعلامی قربانیان و شهادت در جنایات سازمان یافته فراملی و حمایت از شأن و کرامت بزه‌دیده یا شاهد به عنوان اشخاصی که نقش مهمی در اثبات این جنایات ایفا می‌کنند، جا دارد که توهین به شاهد یا بزه‌دیده قاچاق انسان مثل تهدید آنها به صورت خاص جرم‌انگاشته شود و یا حداقل بر اساس مواد مربوط به توهین مشدده قابل مجازات باشد نه بر مبنای توهین ساده مذکوره در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی.

۲- معافیت از مجازات در صورت همکاری بزه‌دیدگان با نظام عدالت کیفری

یکی دیگر از راهبرهای حمایتی از بزه‌دیدگان این جنایت که در جهت همکاری آنها با نظام عدالت کیفری می‌بایستی مدنظر مراجع مسئول سیاست جنایی سازمان ملل و قانون‌گذاران داخلی از جمله قانون‌گذار کشورمان قرار گیرد، پیش‌بینی معافیت از مجازات رفتار بزه‌دیدگان تحت عنوان‌های کیفری قاچاق انسان، مهاجرت غیرقانونی، فحشاء، روسپی‌گری و امثال آن، در صورت همکاری با نظام عدالت کیفری است. زیرا، این راهکار باعث می‌شود که قربانیان

۱- ر.ک: نظریه‌ی شماره‌ی ۷/۳۴۷۲-۱۶/۱۳۷۷/۸ اداره ی حقوقی قوه‌ی قضائیه.

۲- رای شماره‌ی ۲۲۶۸-۱۳/۷/۱۳۱۹ دیوان عالی کشور.

با احساس امنیت بیشتر، با متولیان مبارزه با عوامل قاچاق انسان همکاری کنند و بدین وسیله ضمن تحقق یکی از رسالت‌های مهم حقوق کیفری بین‌الملل که همانا جلوگیری از بلامجازات ماندن مجرمان فرامرزی است، به حداقل حقوق قانونی خود نیز برسند.

متأسفانه در برخی از کشورها، محاکم بدون توجه به شرایط خاص قربانیان قاچاق انسان، اقدام به محکوم کردن آنها در دادرسی کیفری می‌کنند. چرا که برخی از مجریان قانون این امر مهم را در نظر نمی‌گیرند که افراد قاچاق شده مجرم نیستند، بلکه قاچاقچیان مجرمان واقعی به حساب می‌آیند و آنها صرفاً قربانیان این جنایت محسوب می‌شوند. تعیین مجازات برای بزه‌دیدگانی که با نظام عدالت کیفری همکاری می‌کنند از دو جهت قابل انتقاد به نظر می‌رسد: اول این که به شرایط خاص بزه‌دیدگان به هنگام ارتکاب قاچاق و حتی نقش نداشتن آنان در جرم یا جرایم انتسابی به آنها در صدور این حکم هیچ توجهی نمی‌شود. دومین ایراد اجرای مجازات این است که این عمل آشکارا از مراجعه بزه‌دیدگان به ادارات پلیس و تقاضای کمک از آنها جلوگیری می‌کند، زیرا آنها می‌دانند که رهیدن از چنگال جنایتکاران قاچاق انسان به قیمت محکومیت خود آنها تمام می‌شود (السان، قاچاق زنان و کودکان برای بهره‌کشی جنسی «از منع جهانی تا حمایت از بزه‌دیدگان»: ۳۵۵ - ۳۵۴) به عبارت دیگر، تعیین مجازات برای بزه‌دیدگان باعث فرار قاچاقچیان از (Orhant, Trafficking in persons, P.4) تعقیب و بازداشت می‌شود، چرا که، بزه‌دیدگان اغلب از مراجعه به مقام‌های دولتی به دلیل ترس از زندانی شدن یا اخراج شدن (به ویژه زمانی که مدارک‌شان جعلی باشد) ابا دارند. از این رو، دولت‌ها باید این اطمینان را ایجاد کنند که اشخاص بزه‌دیده در صورت همکاری با متولیان مبارزه با قاچاق انسان، به دلیل ورود یا اقامت غیرقانونی خود، بازداشت و مجازات نخواهند شد. علاوه بر ضمانت اجرای کیفری کشور محل وقوع جرم، امکان دارد قربانیان این جنایت بعد از بازگشت یا فرار، در کشور خود نیز با بی‌توجهی به ابتدایی‌ترین حقوق بشردوستانه آنها، به دلیل ارتکاب جرایمی چون مهاجرت غیرقانونی، برقراری روابط جنسی نامشروع، بیماری‌های مقاربتی نیز تحت پیگرد قضایی قرار گیرند. با این که برخی از کشورهای آسیایی مثل تایلند به صراحت در قوانین داخلی خود مجازات قربانیان قاچاق انسان را حذف کرده‌اند،

(Tumlin, Trafficking in children and women: a regional overview, P. 23)

قانون مبارزه با قاچاق انسان متعرض این امر مهم نشده و به قربانیان قاچاق انسان به چشم بزه‌دیده واقعی نگریسته نشده است. در کنوانسیون پالرمو و پروتکل ۲۰۰۰ هم در هیچ جایی به صراحت به حق محفوظ ماندن از تعقیب بزه‌دیدگان یا حداقل معافیت از مجازات اشاره شده است این موضوع که تلویحاً از مجموع مقررات استنباط می‌شود،

(Edwards, Traffic in human beings: at the intersection of criminal justice, human rights, asylum / migration and labor, P.21)

باعث شده است که جامعه حقوق بشر هم به دلیل فقدان چارچوب‌های قانونی مناسب و کافی برای بزه‌دیدگان قاچاق انسان ابراز نگرانی کند.

(Piper, A problem by a different name? A review of research on trafficking in South - East Asia and Oceania, P.223)

در مقررات کشور ما تنها در آیین‌نامه اجرایی مراکز حمایت و بازپروری دختران و زنان در معرض آسیب اجتماعی حاد و زنان آسیب‌دیده اجتماعی مصوب ۱۳۷۶/۵/۱۶ سازمان بهزیستی، پدیده‌ای به نام «زنان ویژه» شناسایی شده و برای برخورداری حمایت‌گرایانه‌ای از آنان تلاش شده است (نوبهار، قاچاق زنان برای روسپی‌گری از منظر آموزه‌های اسلامی با نگاه به مقررات بین‌المللی و حقوق ایران: ۲۱۴). به نظر می‌رسد که به رغم حساسیت قانون‌گذار اسلام نسبت به پدیده فحشا، در مقررات اسلامی با تکیه بر قواعدی چون لزوم استتار اعمال منافی عفت و جواز عفو قربانی، می‌توان و حتی باید با قربانیان قاچاق انسان به ویژه زنان قربانی، برخوردی منعطف، رحمت‌آمیز و حمایت‌گرایانه داشت تا بتوانند فارغ از دغدغه‌های تحمل کیفر و طرد شدن، به بازگشت مجدد به جامعه فکر کنند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: همان: ۲۰۷-۲۰۴).

در قسمتی از بند ۱۳ اعلامیه بروکسل (۲۰۰۲) هم می‌خوانیم که قربانیان قاچاق باید به عنوان بزه‌دیدگان جرایم مشدد محسوب شوند. نباید علی‌الاصول آنها را به خاطر جرایمی که به عنوان جزئی از فرایند قاچاق خود انجام داده‌اند، دوباره قربانی کرد، فلذا بزه‌دیدگان قاچاق اشخاص به هیچ وجه نباید در معرض کیفرخواست قرار گیرند.

(Carrington and Hearn, Trafficking and the sex industry from impunity to protection, P.11)

۳- بازداشت موقت متهمان قاچاق انسان یا اخذ وثیقه از آنها

در کنار قوانین کیفری ماهوی، آیین دادرسی کیفری نیز به طور غیرمستقیم با پیش‌بینی پاره‌ای از تدابیر کیفری به منظور حمایت از بزه‌دیدگان و شهود در برابر تعرض‌های احتمالی متهم، اجازه بازداشت موقت متهم و یا اخذ وثیقه از او را داده که در جنایت قاچاق انسان به لحاظ ویژگی‌های غالب سازمان‌یافته^۱ و فراملی بودن آن می‌تواند نمود عینی بیشتری داشته باشد.

۳-۱- اجازه بازداشت موقت

اگر آزادی متهم به جنایت قاچاق انسان، سبب شود بزه‌دیدگان از حضور در دادگاه جهت ادای توضیح امتناع یا شهود از ادای شهادت خودداری کند، قاضی می‌تواند با استناد به بند د ماده ۳۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸، قرار بازداشت موقت متهم را صادر کند و اگر متهم، بزه‌دیده یا شاهد را تهدید نماید که در صورت حضور در دادگاه یا ادای شهادت آسیبی به وی و یا خانواده او وارد می‌آید، قاضی بر طبق ماده ۳۵ همان قانون می‌بایستی اقدام به صدور این قرار کند. البته یادآوری این نکته ضرورت دارد که خطر اثرگذاری به بزه‌دیدگان، شهود و مطلعان وقتی می‌تواند مطرح شود که اقدام‌هایی به طریق غیرمشروع تهدید، تطمیع و غیره به عمل آید و یا احتمال آن وجود داشته باشد (آشوری، آیین دادرسی کیفری، ج ۲: ۱۴۸). برخلاف قانون‌گذار ۱۳۷۸ که به موضوع امتناع شهود از ادای شهادت به دلیل تهدید متهم و ترس از آسیب‌رسانی او به صراحت اشاره نکرده است، تدوین‌کنندگان لایحه آیین دادرسی کیفری به وضوح این موضوع را در ماده ۲۳-۱۲۶ مدنظر قرار داده‌اند.

۱- علی‌رغم ارتکاب عمده‌ی جنایت قاچاق انسان به صورت سازمان‌یافته، متأسفانه قانون‌گذار ایرانی، برابر ماده‌ی ۲ قانون مبارزه با قاچاق انسان، از شکل سازمان‌یافته‌ی این جنایت تحت عنوان «در حکم قاچاق انسان» یاد نموده که قابل انتقاد می‌باشد.

در جرایم بین‌المللی نیز، به عنوان مثال دادگاه یوگسلاوی سابق در پرونده‌های دلیچ، دالیچ و دیگران و نیز پرونده لندزو، درخواست‌های آزادی متهمان را به سبب خطر داشتن برای بزه‌دیدگان، شهود و دیگران رد کرد (فضائلی، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی: ۴۱۹). در حال حاضر، چون تهدید بزه‌دیدگان، شهود و مطلعان واقعه یکی از مواردی است که تحقیقات صحیح را به مخاطره می‌اندازد، از این رو صدور دستور بازداشت موقت به شرح ماده ۵۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تجویز گردیده است.

در کنوانسیون پالمو نیز هر چند به صراحت از این شیوه حمایتی سخنی به میان نیامده است، اما از یک سو با توجه به فحوی برخی مواد این کنوانسیون (مثل بندهای مختلف ماده ۱۸) و از سوی دیگر، تمثیلی بودن مواد ۲۴ و ۲۵ کنوانسیون و ماده ۶ پروتکل الحاقی آن در خصوص حمایت از بزه‌دیدگان و شهود، می‌توان این گونه برداشت کرد که بازداشت موقت متهم به عنوان یک راهکار حمایتی در سیاست جنایی سازمان ملل مورد توجه قرار گرفته است (باقری‌نژاد، رویکرد حمایتی به شهود در قوانین کیفری ایران و فرانسه: ۱۰۹).

۳-۲- امکان اخذ وثیقه

هم چنان که ذکر شد اخذ وثیقه از متهم که در بند ۴ ماده ۱۳۲ ق.آ.د.د.ع.ا در امور کیفری پیش‌بینی شده، می‌تواند به طور ضمنی هدف حمایت از بزه‌دیدگان و شهود قاچاق اشخاص را برآورده سازد. چون یکی از موارد تبانی متهم با دیگری را که در روند رسیدگی اختلال ایجاد می‌کند، می‌توان تبانی بر تهدید و ترساندن بزه‌دیده‌گان و شهود و جلوگیری از ادای شهادت آنان و یا اجبار آنان به ادای شهادت دروغ دانست که قاضی می‌تواند در ضمن صدور قرار قبولی وثیقه، به متهم یادآور شود که از اقدام تهدیدآمیز یا انتقام‌آمیز علیه بزه‌دیدگان و شهود پرهیزد (میرزایی، حمایت از بزه‌دیدگان و شهود در برابر تهدید در فرایند دادرسی کیفری: ۱۷۰). در لایحه آیین دادرسی کیفری نیز به شرح ماده ۱-۱۲۶، تضمین حقوق بزه‌دیده از جمله مواردی است که می‌تواند به صدور قرار وثیقه علیه متهم منجر شود. در جنایت قاچاق اشخاص، از یک سو بزه‌دیده ممکن است با استناد به بند ۴ ماده ۲۴ کنوانسیون پالمو، شاهد قاچاق نیز باشد که در صورت عدم صدور قرار مناسب برای متهم و

تهدید بزه‌دیده توسط او، حقوق وی تضییع می‌شود و از سوی دیگر، فقدان قرار مناسب در مورد متهم ممکن است به تهدید شهود قاچاق اشخاص و امتناع آنان از ادای شهادت منجر شود که در نهایت احقاق حق بزه‌دیده با مشکل مواجه خواهد شد. اخذ وثیقه از متهم در توصیه‌های کمیته سازان ملل متحد برای پیشگیری از جرم نیز مورد توجه قرار گرفته است که به موجب آن، دادستان‌ها برای قبولی وثیقه باید این شرط را قید کند که متهم، شاهد و بزه‌دیده را تهدید نکند.

(Farajiha ghazvini, Police protection to victims of crime, P.311)

در پایان، ذکر این نکته لازم است که هر چند نمی‌توان به طور قاطع ادعا کرد که با اتخاذ مجموعه این تدابیر، حمایت از بزه‌دیدگان و شهود قاچاق اشخاص در طول جریان تعقیب، محاکمه و حتی بعد از آن به نحو مطلوب تأمین گردد، لیکن بدون تردید عدم توجه به این اقدام‌ها و تدابیر یا عدم تلاش در ارتقاء و بهبود این شیوه‌ها، امنیت روانی بزه‌دیدگان و شهود این جنایت را به مخاطره می‌اندازد و آنها را در همکاری با مقام‌های قضایی دچار تردید می‌کند.

۴- محرمانه نگه داشتن هویت بزه‌دیدگان و شهود قاچاق

مراحل گوناگون فرآیند رسیدگی جنایی باید به گونه‌ای باشد که هراس بزه‌دیدگان و شهود قاچاق انسان را از تهدیدها و اقدام‌های تلافی‌جویانه قاچاقچیان به پایین‌ترین سطح برساند و با حمایت از زندگی خصوصی آنان، بتواند در آنها احساس امنیت ایجاد کند. به همین منظور نام، آدرس اقامتگاه، شماره تلفن و دیگر مشخصات بزه‌دیده و شاهد این جنایت را نباید فاش کرد. فراتر از تدابیری که برای تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان آنها در برابر تهدیدها و اقدام‌های تلافی‌جویانه متهم وجود دارد، چاره‌اندیشی درباره تدابیری برای کاهش گرفتاری‌ها و دردسرهای بزه‌دیدگان نیز بسیار اهمیت دارد و در ردیف تدابیر تأمین‌کننده امنیت بزه‌دیدگان می‌گنجد (صادق‌نژاد نائینی، انواع حمایت از بزه‌دیدگان جرم قاچاق انسان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی: ۴۰). مثلاً رسانه‌ها باید در پوشش خبری خود اصول اخلاقی رسانه‌ای را رعایت کنند و در جرایم مهمی چون قاچاق جنسی هرگز هویت بزه‌دیده

را فاش نکنند. بسیاری از کشورها بر همین پایه به تلاش‌هایی دست زده‌اند که گسترش رهنمودهایی درباره بازجویی پلیسی، زمان‌بندی و ترتیب رسیدگی در دادگاه از آن جمله‌اند (ر.ک: شعبان‌زاده تالار پستی، حمایت‌های حقوقی از اطفال بزه‌دیده). مهم‌ترین راه‌هایی که از رهگذر آنها می‌توان محرمانه نگه داشتن هویت بزه‌دیدگان و شهود را بهتر تضمین کرد عبارتند از:

- ۱- گرفتن تعهد کتبی از مقام‌ها و ماموران تازه وارد و تذکر به همه نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط با بزه دیدگان و شهود مبنی بر محرمانه نگه داشتن هویت آنها.
- ۲- برگزاری دوره‌های آموزشی منظم برای کارکنان درباره نحوه حفاظت از هویت بزه‌دیدگان و شهود.
- ۳- اطمینان از مجهز گردیدن سیستم‌های بایگانی و رایانه‌ای به سیستم‌های امنیتی و محافظت اطلاعات شخصی مربوط به بزه‌دیدگان و شهود (ر.ک: رایجیان اصلی، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی: ۵۶).

شناخت هویت یا اقامتگاه بزه‌دیدگان و شهود، در جنایات سازمان‌یافته فراملی نظیر قاچاق اشخاص ممکن است تمامیت جسمانی آنها را در معرض مخاطره قرار دهد. در این صورت بر خلاف قواعد آیین دادرسی کیفری حاکم بر جرایم عمومی و عادی، بایستی به بزه‌دیدگان و شهود قاچاق انسان اجازه داده شود تا بدون این که هویت و اقامتگاه آنها برای مرتکبان قاچاق اشخاص آشکار شود، به ادای توضیح و شهادت پردازند و در صورت افشای هویت یا اقامتگاه بزه‌دیده و شاهد، مرتکب مجازات شود. در غیر این صورت، امنیت بزه‌دیدگان و شهود تضمین نمی‌شود و بزه‌دیدگان از گزارش موارد قاچاق و شهود از ادای شهادت خودداری می‌ورزند. قانون آیین دادرسی کیفری ایران، نه تنها منع افشای هویت و یا اقامتگاه بزه‌دیده و شاهد را پیش‌بینی نکرده است، بلکه به متهم برابر ماده ۱۹۰ ق. آ. د.د.ع.۱ در امور کیفری اجازه می‌دهد پس از تکمیل تحقیقات از محتویات پرونده اطلاعات لازم را به دست آورد، بدون این که شرط یا شرایطی را پیش‌بینی کرده باشد. این امر هر چند در جهت رعایت حقوق دفاعی متهم است، لیکن در جنایات سازمان‌یافته فراملی و به ویژه در

قاچاق انسان که عمده‌تاً دلیل اصلی کشف این جنایت و محکومیت مرتکبان، گزارش بزه‌دیدگان و شهادت شهود است، امنیت آنها را در معرض مخاطره قرار می‌دهد. تدوین‌کنندگان لایحه آیین دادرسی کیفری ایران به موضوع امنیت شهود توجه ویژه کرده است و به منظور حمایت از شهود، در ماده ۴۷-۱۲۵ به شرط ضروری بودن استماع اظهارات شاهد و ذکر علت اتخاذ چنین تدبیری در پرونده، عدم افشای هویت و یا اقامتگاه شاهد را پیش‌بینی کرده که جا دارد این رویکرد حمایتی، ضمن تصریح به شهود قاچاق انسان، بزه‌دیدگان این جنایات را هم شامل شود. علاوه بر آن، در تبصره ماده ۷ پیش‌نویس لایحه حمایت از مخبران و شهود^۱ بدون هیچ قید و شرطی (نظیر شرایط یاد شده در لایحه آیین دادرسی کیفری) افشای هویت مخبران و شهود ممنوع دانسته شده است هر چند اطلاق واژه «مخبران» به نوعی می‌تواند بزه‌دیدگان را هم شامل شود، لیکن به دلیل محدودیت‌های تفسیر در قوانین کیفری، تصریح به واژه بزه‌دیدگان برخی از جرایم مهم نظیر جنایات سازمان‌یافته فراملی ضروری است.

محرمانه نگه داشتن هویت بزه‌دیدگان و شهود در ماده ۸ قانون موافقت‌نامه معاضدت حقوقی متقابل در امور کیفری بین دولت ایران و آفریقای جنوبی، ماده ۵ موافقت‌نامه همکاری‌های امنیتی بین ایران و عربستان، مصوب ۱۳۸۰، ماده ۱۰ موافقت‌نامه همکاری‌های امنیتی با کشور ایتالیا مصوب ۱۳۸۲ و ماده ۷ موافقت‌نامه همکاری‌های امنیتی با کشور بوسنی و هرزگوین نیز به صورت تلویحی مورد اشاره قرار گرفته است (ر.ک: ذاقلی، سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق انسان در پرتو اسناد بین‌المللی: ۲۴۰). حمایت از بزه‌دیدگان و شهود از طریق منع افشای هویت و یا اقامتگاه آنها در اسناد بین‌المللی نظیر ماده ۲۲ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و ماده ۲۱ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی رواندا و بند الف قاعده ۶۹ آئین دادرسی و ادله ویژه دادگاه کیفری بین‌المللی سیرالئون پیش‌بینی شده و در بند الف ماده ۳-۸۷ قواعد دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی نیز به منظور حمایت از بزه‌دیدگان و شهود مقرر شده است: «نام بزه‌دیدگان و

۱- این لایحه توسط وزارت اطلاعات تهیه شده و متأسفانه تاکنون به تصویب مجلس شورای اسلامی نرسیده است.

شهود یا هر شخصی که به واسطه شهادت در معرض خطر قرار می‌گیرد و دیگر اطلاعات هویتی، از گزارش‌های علنی دادگاه حذف شود» و به این ترتیب حفظ هویت و امنیت بزه‌دیده و بزه‌دیدگان شاهد در اسناد دیوان در مراحل مختلف دادرسی مورد توجه قرار گرفته است (ر.ک: اسدی، حفظ امنیت و هویت بزه‌دیدگان و گواهان در دادرسی‌های بین‌المللی: ۳۶-۴۲). دیوان اروپایی حقوق بشر هم استفاده از گواهان بی‌نام را در هر حال ممنوع نمی‌کند، ولی یادآور می‌شود که استفاده از این شیوه باید به گونه‌ای بسیار محدود صورت گیرد،

(Doorson V. The Netherlands, 26 March 1996, OEA/Ser.L/V/II.95, Doc 7 Rev. 1997, at 658 & 736, P. 39)

به عنوان مثال، دیوان اعلام کرده است که وقتی مواردی مانند زندگی، آزادی یا امنیت گواهان در معرض خطر است، دادگاه‌ها باید رسیدگی خود را به گونه‌ای سامان دهند که آنان با این خطرها روبه‌رو نشوند.

(Door son V. The Netherlands, 26 March 1996, 2 Ser, A 470, Para 10)

در مواد ۲۴ و ۲۵ کنوانسیون پالرمو و هم چنین بند ۱ ماده ۶ پروتکل اول الحاقی به منظور حمایت از بزه‌دیدگان و شهود در مقابل گروه‌های مجرمان سازمان‌یافته، حفظ حریم خصوصی، عدم افشای هویت و یا اقامتگاه آنها پیش‌بینی شده است و حتی برابر بند ب ماده ۲۴ این کنوانسیون، در راستای تضمین امنیت شهود، برای ادای شهادت با استفاده از فن‌آوری‌های ارتباطات مثل ارتباطات ویدیویی اجازه داده شده است. بنابراین اتخاذ تدابیری مثل شهادت از طریق ویدئو یا از طریق عکس یا صدای جایگزین یا ممانعت از حضور افراد در مرحله دادرسی، اختفاء شهود یا اجازه به ادای شهادت با اسم مستعار جملگی به قصد حفظ هویت شهود و رعایت محرمانه ماندن مشخصات آنها انجام می‌شود.

(Unodc, Good practices for the protection of witnesses in criminal proceedings involving organized crime, P. 12)

در برنامه جهانی برای مقابله با قاچاق انسان هم اعلام شده است که ضمن در نظر گرفتن حقوق شخص متهم در یک دادرسی عادلانه، هویت بزه‌دیدگان و شهود نباید افشای عمومی شود و هویت خصوصی آنها تا حد امکان باید مورد احترام و محافظت قرار بگیرد.

(Global programmer against in human beings, op.cit. guideline 6, p.360)

به هر حال، اگر دولت‌ها به انتشار اسامی افراد قاچاق شده، به ویژه زنانی که علیه قاچاقچیان شهادت داده‌اند، پافشاری کنند، حداقل باید محل اقامت جدیدی برای آنها مهیا سازند تا از خطر انتقام‌جویی رهایی یابند و به همکاری خود با دولت ادامه دهند.

(UNODCCD: Guide for policy markers on the implementation of the UN declaration of basic principles of justice for victims of crime and abuse of power, P.16)

همراهی بزه‌دیدگان تا مراکز اسکان و اطمینان از امنیت مکان آنها، وظیفه‌ای است که در قوانین ایران جایی ندارد. زیرا مکانی مانند پناهگاه یا خانه امن برای بزه‌دیدگانی که تأمین جانی ندارند، در نظر گرفته نشده است (حسامی، حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت خانوادگی در تحقیقات پلیسی، ۲۷۳). مضافاً این که، پذیرش بزه‌دیده، بزه‌دیدگان شاهد و شهود قاچاق انسان با هویتی جدید توسط کشورها، اتخاذ راهکارهایی به منظور ادامه زندگی همراه با امنیت کامل برای این افراد مؤثر در دادرسی کیفری، صرفاً با همکاری بی‌قید و شرط دولت‌ها میسر خواهد شد.

البته ممکن است این راهکار حمایتی یعنی مکتوم ماندن هویت بزه‌دیدگان و شهود با حق متهم مبنی بر بهره‌مندی از دادرسی عادلانه متعارض به نظر برسد. از این رو، برای جلوگیری از این تقابل و منع تعرض به حق متهم جهت مواجهه حضوری با گواه و بزه‌دیده، محاکم باید به طور خاص احتمال تلافی و انتقام را بررسی کنند و در صورتی اجازه محرمانه ماندن هویت آنها را بدهند که دلایل واقعاً معتبر باشند (نیکوئی، الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه، ۲۳۲).

۵- راهبردهای فقهی در تامین امنیت بزه‌دیدگان و شهود

هر چند جنایت قاچاق انسان به شکل برده‌داری نوین در قرن اخیر موضوعیت پیدا کرده است، لیکن مساله خرید و فروش انسان، به ویژه بردگان و زنان به گواهی تاریخ، از قدیم الایام گریبانگیر جوامع بشری بوده است.

به اعتقاد منتسکیو «منشا بردگی ممکن است یکی از عوامل زیر باشد:

۱- حقوق بین‌المللی ایجاب می‌کرده است که اسیران جنگی در حکم غلامان باشند تا از قتل مصون بمانند.

۲- قانون مدنی روم به طلبکاران اجازه می‌داده است تا بدهکارانی که قادر به پرداخت نبوده‌اند، خودشان را بفروشند و یا در عوض طلب و بدهکاری بنده شوند.

۳- قانون طبیعت، فرزند پدری را که خود غلام است، غلام می‌سازد و بنابراین فرزند تابع پدر است.

۴- حق بندگی ناشی از تحقیر یک ملت نسبت به ملت دیگری است که مبنی بر اختلاف عادات و رسوم است.

۵- منشأ اصلی آن، وجود فرد قوی و ضعیف در اجتماع انسانی توأم با روح طغیان و استثمار است» (منتسکیو، روح القوانین، ۳۰۸).

با بررسی نصوص آیات قرآن مجید، می‌توان اذعان داشت که آیه‌ای وجود ندارد که در آن گفته شود مسلمان یا انسان می‌تواند برده داشته باشد. چیزی که در قرآن آمده و برخی‌ها آن را به نام برده و برده‌داری مطرح می‌کنند (برای نمونه ر.ک: طباطبایی، المیزان تفسیرالقرآن، ج ۱۵ و محمدی گلپایگانی، جرعه‌ای از زلال قرآن، ج ۳)، «ملک یمین» است که به معنی دارائی و مالکیت قراردادی و پیمانی می‌باشد. بر همین مبنا صاحب کار بنا بر قرارداد انعقادی، فقط صاحب کار فرد است نه خود فرد.

(<http://www.quranology.com/porsesh/porsesh101-200/porsesh113.htm>)

این در حالی است که در قران کریم، آیات متعددی بر آزادسازی برده دلالت می‌کنند که به عنوان مثال می‌توان به آیه ۱۳ سوره بلد، آیه ۴ سوره مجادله، آیه ۸۹ سوره مائده و آیه ۹۲ سوره نساء اشاره کرد. اهمیت این موضوع تا حدی است که خداوند متعال به شرح آیات ۱۳-۱۱ سوره بلد، آزاد کردن برده را لازمه رسیدن به بهشت موعود می‌داند. آنجا که می‌فرماید: «فلا اقتحم العقبه و ما ادراك ما العقبه فك رقبه».

حتی در زمان صدر اسلام تلاش‌هایی در جهت لغو و مبارزه با این پدیده غیرانسانی صورت گرفته است. به عنوان مثال، پیامبر اسلام (ص) خود بردگانی مانند زیدبن حارثه را آزاد فرمود، آن گاه مسلمانان یکی پس از دیگری به آن حضرت تاسی جسته و بردگان را آزاد ساختند. در موردی دیگر فرزندخوانده‌اش اسامه بن زید را که قبلاً برده بود، به سمت فرماندهی لشکر منصوب کرد و بزرگان مهاجر و انصار را موظف نمود که از او پیروی کنند. قباحت و زشتی این جنایت تا جایی است که فقهای اسلامی هم یکی از مباحث مکاسب محرمه را در رساله‌های فقهی خویش به حرمت خرید و فروش انسان آزاد اختصاص داده و آن را مستوجب عقوبت دانسته‌اند. به عنوان مثال در مساله ۲۵۹ از کتاب تکمله منهاج الصالحین آمده است: «من باع انسانا حرا، صغيرا كان او كبيراً، ذكرا كان او انثى قطع يده» یعنی هر کس انسان آزادی را بفروشد، خواه کوچک یا بزرگ باشد، مذکر یا مؤنث باشد، دستش قطع می‌شود (خویی، مصباح‌الفقاهه، ۵۱). این امر مبین آن است که در موازین فقهی هیچ فرقی میان قربانیان آن از حیث جنسیت، سن، مذهب و غیره وجود ندارد. در این میان، اغلب علمای شیعه و سنی آن را از گناهان کبیره شمرده و حکم به حرمت شدید آن داده‌اند. اهتمام شارع مقدس به این امر به حدی است که پیامبر (ص) فروختن انسان آزاد را یکی از سه گناه کبیره‌ای برمی‌شمرد که خداوند متعال به هیچ وجه آن را نخواهد آمرزید (الحرالعاملی، وسایل الشیعه، ۲۲). در حدیثی دیگر، آن حضرت می‌فرماید: «شر الناس من باع الناس» یعنی شریرت‌ترین مردم کسی است که آنها را بفروشد (صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ۳۵۴).

در این زمینه برخی از فقهای معاصر هم، تجارت انسان و به تعبیری برده‌داری نوین را از نظر شرع مقدس اسلام ممنوع اعلام کرده و آن را زشت و حرام و حتی مشتمل بر

محرمات کثیره دانسته‌اند (به نقل از گزارش سازمان دفاع از قربانیان خشونت، نگاهی به پدیده قاچاق انسان و زنان (۲)، ۱۷۵-۱۷۴).

حال با استفاده از آموزه‌های اسلامی و با تدقیق درباب شهادت به نحو مشروحه در منابع فقهی و اهمیت دادخواهی در حقوق الناس و هم چنین بینه شرعی در اثبات جرایم، راهبردهای سیاست جنایی اسلام را در تأمین امنیت بزه‌دیدگان و شهود قاچاق انسان به طور کلی و مختصر، آن هم صرفاً از بعد پیشینه تدابیر حمایتی بزه‌دیده‌شناسی نوین بیان می‌کنیم.

خداوند متعال انسان را فارغ از جنسیت، ملیت، دین، نژاد و رنگ پوست، آزاد آفریده است و برابر نص آیه ۷۰ سوره اسراء (و لقد کرمننا بنی آدم) بر کرامت او تأکید فرموده است. مطابق تفسیرهای نوشته شده برای این آیه، کرامت به صورت بالقوه از بدو تولد در وجود انسان نهاده شده و منظور از بنی آدم هم کل جنس بشر است (طباطبایی، پیشین، ج ۱۳، ۲۱۵) در این آیه واژه «کرمننا» اشاره به مواهبی دارد که خداوند ذاتاً به انسان داده است و بر این اساس می‌توانیم بگوییم که هیچ انسانی را بر دیگری ولایتی نیست و اصل، آزادی و کرامت انسان‌هاست (فهرستی و سرچمی، تجارت زنان و کودکان از دیدگاه فقه‌های شیعه و بررسی علل و اهداف آن: ۴۸-۴۷). از آن جایی که در فرایند قاچاق اشخاص، دیدگاه کالانگاری به افراد مورد قاچاق، شئونات انسانی و کرامت ذاتی آنها را به شدت نقض می‌کند، فقه‌های اسلامی متقدم با تحریر «کتاب آزادی بردگان» در رساله‌های فقهی خویش، مخالفت خود را با برده‌داری آن زمان به دلیل مبتنی بودن بر همین ایده کالانگاری ابراز داشته‌اند (بیگی، جرم‌انگاری قاچاق اشخاص در پرتو دکتترین حقوق بشر بزه‌دیده‌مدار و آموزه‌های فقهی، ۱۷-۱۶). بنابراین چون تجارت و قاچاق انسان با کرامت افراد قاچاق شده مغایرت دارد، لذا در جهت حمایت از این موهبت ذاتی، تنها با تأمین امنیت قربانیان و شهود آنها می‌توان حق خصوصی بزه‌دیدگان این جنایت غیرانسانی را از مرتکبان این فعل حرام مطالبه کرد. قرآن کریم در آیه ۷۵ سوره نساء هم مردم را به حمایت از بزه‌دیدگان (از جمله قاچاق انسان) فرا می‌خواند: «چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟» اهمیت امنیت برای یک جامعه و بزه‌دیدگان

جرایم در آموزه‌های دینی به حدی است که نخستین تقاضای حضرت ابراهیم از خداوند برای شهر مکه، امنیت است (سوره ابراهیم، آیه ۳۵). با این توضیح که اگر امنیت نباشد زمینه برای ارتکاب جرم و رشد جانیان فراهم می‌شود و آمار بزه‌دیدگان افزایش می‌یابد. چرا که بزه‌دیدگان به دلیل آسیب‌های احتمالی جرات رویارویی با بزه‌کاران و اظهار شکایت به مراجع قضایی را از دست می‌دهند و بدین‌سان، زمینه برای گسترش جرایم و وقوع بزه‌دیدگی فراهم می‌شود (اسکندری، راهکارهای حمایت از بزه‌دیدگان در سیاست جنایی اسلام و اسناد بین‌الملل، ۵۲). قضاوت‌های روشنگرانه امام علی (ع) که به عنوان اسناد معتبر دادرسی در اسلام، در تاریخ بشریت به ثبت رسیده است، ضمن رعایت حقوق دفاعی متهم در جریان تحقیقات و دادرسی، متضمن کشف حقیقت، اجرای عدالت کیفری و احقاق حقوق ستمدیدگان بود (ر.ک: مؤذن‌زادگان، اصول دادرسی کیفری از دیدگاه امام علی (ع): ۴۰-۲۵).

یکی از موارد چالش برانگیز در این زمینه، بحث عدم امکان اخذ شهادت از شهود به صورت ناشناس است. زیرا برخلاف موازین بین‌المللی، یکی از حقوق طرفین دعوی و به ویژه متهم در سیستم دادرسی اسلامی، پذیرش جرح شهود بزه‌دیده است که لازمه برخورداری و استفاده از این حق توسط متهمان قاچاق انسان، فراهم بودن امکان شناسایی شهود و حتی تحقیق پیرامون سوابق زندگی آنان است. از این رو، عدم امکان استماع شهادت شهود به صورت ناشناس، امنیت فیزیکی آنها را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و چه بسا به جهت ترس از اقدام‌های تلافی‌جویانه عوامل قاچاق از حضور در دادگاه امتناع کنند و بدین وسیله بزه‌دیده را با مشکلات فراوانی مواجه نمایند (ذاقلی، پیشین، ۲۴۳). درمیان سفارش‌های رسول اکرم (ص) به حضرت علی (ع) هنگامی که وی را برای قضاوت به سرزمین یمن اعزام می‌داشتند، می‌خوانیم: «اذا حضر خصمان بین یدیک فلا تقض لاحدهما حتی تسمع کلام الاخر...». یعنی هر گاه اصحاب دعوی برای دادرسی در برابرت حاضر شدند، به نفع یکی از آنان، پیش از آن که اظهارات طرف دیگر را بشنوی قضاوت مکن.

با این وجود، از نظر فقه اسلامی بسیاری از مسائل آیین دادرسی جزء «منطقه الفراغ» قرار دارند؛ یعنی در هر زمان و مکان با توجه به شرایط و اوضاع و احوال خاص، تعیین

می‌شوند. در این بخش، بناها و سیره‌های عقلاء از هر ملتی و مذهبی که باشند قابل الگوبرداری و اقتباس است. به عبارت دیگر، در دادرسی اسلامی با حفظ اصول بنیادین دادرسی در اسلام و در چارچوب آن، هر نوع ساختار و تشکیلات قضایی و تشریفات رسیدگی را که مناسب با نیازهای روز باشد، به عنوان بنای عقلا می‌توان پذیرفت و به عنوان قالبی برای اجرای عدالت اسلامی و علوی به کار برد (فرحزادی، معرفی اجمالی اصول بنیادین دادرسی در اسلام، ۴۰) بر همین مبنا و با توجه به این که نگرش کلی سیاست جنایی اسلام، حمایت از بزه‌دیدگان و تثبیت موقعیت حقوقی آنان است، می‌توان ادعان داشت که دادرسی با حضور بزه‌دیده و یا جرح‌گواه در جنایت قاچاق انسان هم در جهت تأمین امنیت بزه‌دیدگان و عنداللزوم گواهان آنها، می‌تواند تعدیل شود و اتفاقاً با مبانی عدالت جنایی اسلام نیز همسو است.

اصل مشروعیت تحصیل دلیل در راستای کسب و تحصیل شهادت شهود، علاوه بر تأکید بر رعایت قواعد و مقررات ماهوی و شکلی در هنگام استماع شهود، بر حمایت از شهود و صیانت از حقوق فردی و کرامت انسانی آنها نیز تأکید می‌ورزد (تدین، تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری، ۳۵۲). بدین ترتیب در جهت تأمین منافع عمومی و کشف حقیقت، ضرورت دارد که شاهد حتی به صورت نامعین و یا با تغییر هویت و در جلسه خصوصی گواهی می‌دهد و امنیت وی تأمین شود. نهایت آن که، تحصیل چنین دلیلی می‌تواند به عنوان کسب اطلاع تلقی شود و به همراه سایر قرائن و امارات به تحقق علم قاضی کمک نماید (گلدوزیان، ادله اثبات دعوا، ۳۶۷-۳۶۶). زیرا گفته شده است که «اگر حقی به طریقی از طرق آشکار شود، خداوند و پیامبر او بدان بی‌اعتنا نمی‌مانند و جز به مقتضای آن حکم نمی‌کنند و به عبارت دیگر، راه‌هایی که برای کشف حقیقت در برابر قاضی وجود دارد وسیع‌تر از راهی است که خداوند، حقدار را برای حفظ حق خود بدان راهنمایی فرموده است» (محمصانی، فلسفه قانونگذاری در اسلام، ۳۱۲)؛ و برای همین است که در بینش اسلامی، دادرسی؛ ویژه پیامبر، جانشینان راستین او و رهبران شایسته دینی و پاکان دنیا دانسته شده است (ساکت، نهاد دادرسی در اسلام، ۴۲).

پذیرش گواهی بر شهادت گواه اصلی، یکی دیگر از راهبردهای سیاست جنایی اسلام است که می‌تواند به تأمین امنیت شهود قاجاق انسان کمک کند. با این توضیح که در حقوق الناس (مثل قاجاق انسان)، اگر شاهد اصلی به دلیل ترس از ایجاد مزاحمت از ناحیه ی متهم پرونده، احتیاط کند و از ادای گواهی در دادگاه امتناع نماید، قاضی می‌تواند این امر را موجبی برای استماع گواهی بر گواهی وی قلمداد کند (بهرامی، بایسته‌های ادله اثبات دعاوی حقوقی و کیفری، ۱۷۱-۱۷۰). بر این اساس، اگر شاهد اصلی قاجاق انسان از جانب قاجاقچی یا شخص ثالثی برای ادای شهادت تهدید شده باشد، می‌توان با استفاده از راهبرد شهادت بر شهادت، ضمن تأمین امنیت شاهد اصلی، امکان اثبات این جنایت را هم فراهم ساخت (دیانی، ادله اثبات دعوا در امور کیفری و مدنی، ۱۹۶).

۶- راهبردهای حمایتی افتراقی در ارتباط با امنیت شهود صغیر و کودکان بزه‌دیده

گروهی بودن جنایت قاجاق اشخاص و فراملی و گسترده بودن آن، ایجاب می‌کند که علاوه بر شهود، بزه‌دیدگان چنین جنایاتی نیز خود به عنوان شاهد در جریان محاکمه حضور یابند و بر آن چه برخورد و دیگران گذشته است، گواهی دهند و از این رو همواره در نگرانی و وحشت از حمله و تهاجم به سر می‌برند. از سوی دیگر، متهمان این جنایت غالباً بزرگسال و قدرتمند و با نفوذاند، به همین جهت حمایت از کودکان بزه‌دیده یا بزه‌دیده شاهد و شهود صغیر و اتخاذ تدابیر امنیتی افتراقی به منظور پیشگیری از تهدید آنها یا ایجاد ممانعت در فرایند عدالت کیفری و مسیر ادای گواهی، ضروری به نظر می‌رسد. به جهت این که تهدید کودکان بزه‌دیده و شهود صغیر که از شیوع بیشتری هم (در مقایسه با بزرگسالان) برخوردار است، اثرهای منفی بی‌شماری بر بزه‌دیدگان و شهود تهدید شده، نهادهای عدالت کیفری و عموم مردم بر جا می‌گذارد بنابراین تأمین امنیت آنها بایستی مورد توجه متولیان نظام سیاست جنایی قرار گیرد. از این‌رو، بدون انجام اقدام‌های حمایتی افتراقی لازم برای کودکان بزه‌دیده و شهود صغیر، اجرای عدالت کیفری غیرممکن است. این اقدام‌های حمایتی لازم می‌تواند شامل استماع غیرعلنی، محفوظ داشتن هویت بزه‌دیده و شاهد یا ارائه ادله از طریق ابزار الکترونیک و وسایل مخصوص دیگر باشد که در اینجا این تدابیر را

بایستی جدی گرفت و به لحاظ وضعیت آسیب‌شناسانه کودکان، ضمانت اجرایی مستقل یا حداقل اقدامات تشدیدیه برای ناقضان پیش‌بینی کرد.

در حقوق ایران، هر چند در مقررات لازم‌الاجرای فعلی تدابیر امنیتی ویژه جهت حمایت از شهود صغیر و کودکان بزه‌دیده پیش‌بینی نشده است، با وجود این ماده ۴۱ پیش‌نویس لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان^۱، مرجع قضایی را مکلف ساخته است تا جهت جلوگیری از اعمال تهدید، انتقام‌جویی و یا ورود آسیب جسمی یا روانی به کودکان و نوجوانان در معرض خطر، بزه‌دیده یا شاهد و مطلع، تدابیر و اقدامات مقتضی از قبیل فراهم آوردن امکان مشارکت آنان بدون حضور فیزیکی در جریان رسیدگی، صدور دستور انتقال طفل به محل مطمئن و امن و یا تشدید قرار تأمینی متهم را اتخاذ کند. از دیگر اقدام‌های صورت گرفته بنا به گزارش نماینده دولت ایران در اجلاس چهل و هفتم کمیسیون مقام زن (منعده به تاریخ سوم مارس ۲۰۰۳ در مقر دائمی سازمان ملل در شهر نیویورک)، تشکیل پلیس زن برای کمک به زنان و دختران قربانی خشونت است که توسط نیروهای انتظامی صورت گرفته است^۲ این اقدام در جهت کمک به بزه‌دیدگان کودک و حتی شهود صغیر جنایت قاچاق انسان می‌تواند تدبیر مهمی تلقی شود. ناگفته نماند که عدم قبول شهادت کودکان نامشروع در حقوق ایران بر مبنای شرط طهارت مولد برای شاهد (بر اساس احکام شرعی و مقررات قانونی مندرج در بند ۴ ماده ۱۵۵ ق.ا. د.د.ع.ا. در امور کیفری)، در جنایت قاچاق کودکان که غیر از آنها غالباً شاهد دیگری وجود ندارد، ممکن است به براءت قاچاقچیان بیانجامد. حال آن که، بر اساس معیارهای بین‌المللی، با همه کودکان بزه‌دیده، صرف نظر از وضعیت تولدشان بایستی یکسان و به دور از هر گونه تبعیضی بین آنها رفتار کرد.

۱- این لایحه پس از ۳ سال بررسی‌های کارشناسانه شورای تدوین لوایح و برنامه‌های معاونت حقوقی و توسعه قضایی و سپس تصویب در جلسه مسئولان عالی قضایی جهت طی فرایند تصویب به دولت ارسال شده است که تا به حال متأسفانه تصویب نگردیده است.

۲- گفتنی است که طرح استخدام زنان در نیروهای انتظامی در راستای ماده ۲۰ مقررات استخدامی نیروی انتظامی مصوب ۱۳۷۴/۴/۲۷ جنبه قانونی و رسمی یافته است.

طبق پاراگراف ۲ ماده ۶ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، شعب دیوان می‌توانند برای حفاظت از کودکان بزه‌دیده یا شهود صغیر، هر مرحله‌ای از دادرسی را به طور غیرعلنی برگزار کنند یا اجازه ارایه ادله را از طریق وسایل الکترونیکی یا سایر وسایل ویژه بدهند، مگر آن که دیوان با لحاظ کلیه جوانب امر به ویژه نظرات بزه‌دیده یا شاهد به نحو دیگری مقرر کند.

البته بایستی اذعان داشت که حتی توجه ویژه ای که باید به کودکان بزه دیده یا شاهد مبذول شود، نمی‌تواند با حقوق متهم و دادرسی عادلانه و بی‌طرفانه ناسازگار یا مخل به (Chinkin, Due process and witness anonymity, P.77) آن باشد.

از این رو، تا حد امکان تشریفات دادرسی کیفری را باید به گونه‌ای هدایت کرد که متضمن حداکثر منافع برای بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر باشد و به موازات آن حقوق دفاعی متهم نیز مدنظر قرار گیرد و چنین توازنی لازمه برقراری دادرسی عادلانه و رعایت موازین آن است (سماواتی پیروز، ناتوانان بزه‌دیده؛ از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری، ۱۴۷).

کما این که در انگلستان از سال ۱۹۸۸، امکان ادای شهادت شهود صغیر در خارج از سالن دادگاه به وسیله ابزارهایی چون تلویزیون و از سال ۱۹۹۱، امکان تکمیل شهادت به طور مستقیم از یک کودک با تصویر ویدئویی بازجویی‌های پیشین از وی توسط پلیس یا مددکار اجتماعی فراهم آمده است و همین طور رسانه‌ها از افشای هویت شهود صغیر منع گردیده‌اند (اسپنسر، آئین دادرسی کیفری انگلستان، ۱۲۰-۱۱۹). یا به عنوان مثال دیگر، به موجب قانون جدید تایلند، برای حفاظت کودکان از بازجویی‌های متعدد از نوار ویدئویی استفاده می‌شود (Tumlin, op.cit., P. 23).

به طور کلی ایجاد و تجهیز دادگاه‌های ویژه، سرعت بخشیدن به محاکمات، مجاز شمردن استفاده از گواهی‌های ضبط شده ویدئویی، اجازه دادن به کودکان بزه‌دیده برای همراه داشتن یک فرد به گزینش خود در رسیدگی‌های سری و غیرعلنی و جلوگیری از طرح پرسش مستقیم از وی، از جمله تدابیر مهمی است که دادرسان بایستی جهت حمایت از

کودکان بزه‌دیده این جنایت در نظر بگیرند (اداره کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، مرکز بین‌المللی پیشگیری از جرم، عدالت برای بزه‌دیدگان، ۱۴۶).

در سیاست جنایی سازمان ملل هم، هم‌چنان که گفته شد تدابیر امنیتی برای حمایت از شهود و بزه‌دیدگان به شرح ماده ۲۴ کنوانسیون پالرمو صورت کلی دارد و تدابیر امنیتی افتراقی در جهت حمایت از شهود صغیر و کودکان بزه‌دیده پیش‌بینی نشده است. در پروتکل الحاقی به این کنوانسیون هم، دولت‌های عضو به تجویز بند ۴ از ماده ۶ می‌بایستی در اتخاذ تدابیر حمایتی و امنیتی، سن بزه‌دیدگان قاچاق انسان و نیازهای ویژه آنها را مورد توجه قرار دهند و لذا به دلیل عدم تصریح به مصادیق این حمایت افتراقی و تمثیلی بودن آن، می‌توان به نوعی معتقد به قبول اعمال تدابیر امنیتی افتراقی از این قشر آسیب‌پذیر در جنایت قاچاق انسان شد.

این در حالی است که بر اساس آموزه‌های حقوق کیفری بین‌الملل نوین و رهیافت‌های بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، شهود صغیر و کودکان بزه‌دیده این جنایت می‌بایستی در اسناد تصویبی سازمان ملل و قوانین ملی کشورها، تحت تدابیر امنیتی ویژه متناسب با رژیم‌های خاص کودکان قرار گیرند و مقام‌های محلی حامی، صرف نظر از این کودکان مزبور که شهروندشان باشند یا نباشند متعهد به حمایت از آنها باشند. بنابراین تدوین و اعمال سیاست‌های حمایت و پشتیبانی از شهود صغیر و کودکان بزه‌دیده، به ویژه در جنایت قاچاق انسان ضروری است، چون تهدید و انتقام‌جویی علیه اشخاصی به کار می‌رود که با پلیس و مقام‌های قضایی در دستگیری قاچاقچیان صادقانه همکاری کرده‌اند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در حال حاضر حدود دوازده میلیون انسان در سراسر جهان به عنوان برده‌های نوین در اختیار مالکان مراکز فساد، کارخانجات، مزارع و سایر مراکز درآمدزا قرار گرفته‌اند و به اجبار و بدون دریافت مزد در خدمت مالکان خود قرار دارند (سادات، تجارت زرد «نگاهی به وضعیت قاچاق انسان»، ۶). یکی از راهبردهای مهم حمایتی مورد نیاز قربانیان این جنایت سازمان‌یافته فراملی، تأمین امنیت آنهاست که گستره آن حداقل سه حوزه مهم، یعنی

حفاظت از بزه‌دیده را شامل می‌شود این حمایت‌ها، در رویارویی مستقیم با قاچاقچیان، حفاظت از بزه‌دیده در برابر تهدیدها یا انتقام جویی‌های غیرمستقیم عوامل قاچاق و حفاظت از هویت بزه‌دیده؛ امروزه در گفتمان سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار سازمان ملل، به گواهایی که از سوی قربانیان قاچاق انسان در دادرسی‌ها شرکت می‌کنند، نیز تسری پیدا کرده است.

البته ناگفته نماند که اصل «هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم» به عنوان یکی از جلوه‌های مهم دادرسی عادلانه اقتضاء می‌کند که این حق تأمین امنیت بزه‌دیده قاچاق، بدون هیچ خدشه‌ای به حقوق متهمان این جنایت باشد. ماده ۶۸ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی ذیل عنوان «حفاظت از بزه‌دیدگان و گواهان و شرکت آنان در رسیدگی‌ها» بر حق تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان تأکید نموده است. افزون بر آن، قاعده ۹۱ از قواعد ۲۰۰۲ آیین دادرسی و دلایل این دیوان، در راستای کمک به بزه‌دیدگان و احقاق هر چه بهتر تأمین امنیت آنها، ساز و کاری به نام «پشتیبان همراه بزه‌دیده» را معرفی کرده است.^۱

در ماده ۳۲ کنوانسیون ۲۰۰۳ مریدا، ضمن تأکید بر حق تأمین امنیت بزه‌دیدگان و گواهان، این حق حتی وابستگان و دیگر افراد نزدیک به آنان را به منزله بزه‌دیدگان غیرمستقیم دربرمی‌گیرد. ماده ۲۴ کنوانسیون ۲۰۰۰ پالمو ذیل عنوان «حفاظت از گواهان»، با الهام از ملاک‌های جهانی انعکاس یافته در اعلامیه ۱۹۸۵، بر اهمیت حمایت ویژه از شهود جنایات سازمان‌یافته فراملی و تأمین امنیت آنان در برابر تهدید، انتقام‌جویی و نفوذ گروه‌های سازمان‌یافته؛ با بر شمردن راهبردهای حفاظتی نظیر حفاظت بدنی، حفظ هویت، ادای گواهی با ابزارهای الکترونیکی مانند ویدئو تأکید می‌کند. البته به موجب بند ۴ این ماده، تدابیر حفاظتی یاد شده درباره بزه‌دیدگانی که به منزله گواه^۲ در دادرسی‌ها شرکت می‌کنند نیز قابل اعمال است.

۱- پشتیبان همراه بزه‌دیده شخصی است که در شرایطی مانند نبودن هیچ بازمانده‌ای از خانواده‌ی درجه‌ی یک، وجود گرایش به خودکشی، امکان بروز خشونت، وجود بیماری بدنی یا روانی از پیش موجود و...، برای مراقبت از بزه‌دیده و کمک به وی در فرایند عدالت جنایی می‌تواند او را همراهی کند (رایجیان اصلی، تحول حقوق جهانی بزه‌دیدگان بر پایه اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم در بستر دادرسی عادلانه: ۱۶۸-۱۶۷).

بالاخره پروتکل پالرمو هم با الهام از پاراگراف هجدهم اعلامیه ۱۹۸۵، حق تأمین امنیت بزه‌دیدگان و شهود قاچاق انسان را (با تأکید ویژه بر زنان و کودکان) در کنار حمایت از سایر حقوق آنها به شرح مواد ۶ تا ۸ مد نظر قرار داده است. وانگهی درگستره داخلی، قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳ با لحاظ پیشینه فقهی این راهبردهای امنیتی در قبال قربانیان و شهود جلوه‌های اولیه قاچاق انسان (نظیر قوادی، فحشا و روسپی‌گری) و با اقتباس مستقیم ولی ناقص از پروتکل پالرمو، ضمن به رسمیت شناختن و تأکید بر بزه‌دیدگان خاص قاچاق انسان یعنی اشخاص زیر ۱۸ سال به شرح تبصره ۱ ماده ۳، بدون توجه به گونه‌های حمایتی غیرکیفری، صرفاً به حمایت کیفری آنها بسنده کرده است از این رو به ناچار جهت بهره‌مندی بزه‌دیدگان و شهود این جنایت از حق تأمین امنیت، بایستی از ظرفیت‌های کلی قوانین ماهوی و شکلی در این زمینه (به عنوان مثال، اطلاق و عموم موادی که در متن این مقاله به آنها اشاره شد) استفاده کنیم. از این رو، با توجه به نقش حیاتی همکاری بزه‌دیدگان و گواهان قاچاق؛ در کشف، اثبات و محکومیت کلیه عوامل قاچاق انسان، به نظر می‌رسد الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون پالرمو و پروتکل آن و تصویب این اسناد در مجلس شورای اسلامی یا حداقل اصلاح قانون مبارزه با قاچاق انسان در جهت بهره‌مندی قربانیان و شهود آنها از گونه‌های مختلف حمایتی از جمله تدابیر امنیتی نظیر استفاده از نام‌های مستعار، عدم افشای هویت بزه‌دیدگان و شهود برای وسایل ارتباط جمعی و عموم مردم، شهادت دادن از طریق ارتباط ویدئو کنفرانس، ادای شهادت پشت درهای بسته و استفاده از بازسازی یا دستکاری تصاویر (ر.ک: کریانگ ساک کیتی شیاپزری، حقوق بین‌المللی کیفری، ۵۵۵)، آن هم با تأکید بر حفاظت‌های افتراقی ویژه زنان و کودکان، می‌تواند بهترین راهبرد پیشنهادی نگارنده باشد.

منابع

- ۱- آشوری، محمد (۱۳۸۴)، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۲، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- ۲- آیین نامه اجرایی مراکز حمایت و بازپروری دختران و زنان در معرض آسیب اجتماعی حاد و زنان آسیب دیده اجتماعی مصوب ۱۳۷۶/۵/۱۶ سازمان بهزیستی.
- ۳- ابراهیمی، پیمان (۱۳۸۴)، *بزه دیده به منزله شکای و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران*، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲.
- ۴- اداره کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، مرکز بین المللی پیشگیری از جرم (۱۳۸۴)، *عدالت برای بزه دیدگان*، ترجمه علی شایان، چاپ اول، تهران، انتشارات سلسبیل.
- ۵- اسپنسر، جی. آر. (۱۳۸۴)، *آیین دادرسی کیفری انگلستان*، ترجمه و تحقیق محمدرضا گودرزی بروجردی و لیلا مقدادی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل.
- ۶- اسدی، لیلاسادات (۱۳۸۸)، *حفظ امنیت و هویت بزه دیدگان و گواهان در دادرسی های بین المللی*، علی حسین نجفی ابرندآبادی، تازه های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۷- اسکندری، عبدالکریم (۱۳۸۷)، *راهکارهای حمایت از بزه دیدگان در سیاست جنایی اسلام و اسناد بین الملل*، مجله معرفت، ش ۱۳۴.
- ۸- اشتری، بهناز (۱۳۸۵)، *قاچاق زنان و بردگی معاصر*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۹- الحرالعاملی، محمدبن الحسن (۱۳۷۶)، *وسائل الشیعه*، ج ۱۸ و ۱۶، ۱۵، تهران، اسلامیه.
- ۱۰- السان، مصطفی (۱۳۸۴)، *قاچاق زنان و کودکان برای بهره کشی جنسی «از منع جهانی تا حمایت از بزه دیدگان»*، فصل نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، ش ۶.
- ۱۱- باقری نژاد، زینب (۱۳۸۷)، *حمایت از شهود در فرایند کیفری*، فصل نامه مطالعات پیشگیری از جرم، ش ۶.
- ۱۲- باقری نژاد، زینب (۱۳۸۸)، *رویکرد حمایتی به شهود در قوانین کیفری ایران و فرانسه*، مجله حقوقی دادگستری، ش ۶۷.

- ۱۳- بهرامی، بهرام (۱۳۸۷)، *بایسته‌های ادله اثبات دعاوی حقوقی و کیفری*، چاپ اول، تهران، موسسه فرهنگی نگاه بینه.
- ۱۴- بیگی، جمال (۱۳۸۹)، *جرم‌نگاری قاچاق اشخاص در پرتو دکترین حقوق بشر بزه‌دیده‌مدار و آموزه‌های فقهی*، فصل‌نامه علمی - پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، ش ۶.
- ۱۵- پیش‌نویس لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان.
- ۱۶- پیش‌نویس لایحه حمایت از مخبران و شهود.
- ۱۷- تدین، عباس (۱۳۸۸)، *تحصیل دلیل در آیین دادرسی کیفری*، چاپ اول، تهران، نشر میزان.
- ۱۸- حسامی، سمیه (۱۳۸۴)، *حمایت از زنان بزه‌دیده خشونت خانوادگی در تحقیقات پلیسی*، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲.
- ۱۹- خویی، ابوالقاسم (۱۳۶۶)، *مصباح الفقاهه*، چاپ اول، قم، حیدریه.
- ۲۰- دینانی، عبدالرسول (۱۳۸۶)، *ادله اثبات دعوا در امور مدنی و کیفری*، چاپ دوم، تهران، انتشارات تدریس.
- ۲۱- ذاقلی، عباس (۱۳۸۸)، *سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق انسان در پرتو اسناد بین‌المللی*، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، با راهنمایی علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، مدرسه عالی شهید مطهری.
- ۲۲- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۴)، *بزه‌دیدگان و نظام عدالت جنایی*، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲.
- ۲۳- ----- (۱۳۸۴)، *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*، چاپ اول، تهران، نشر دادگستر.
- ۲۴- ----- (۱۳۸۵)، *تحول حقوق جهانی بزه‌دیدگان بر پایه اصل هم‌ترازی حقوق بزه‌دیده و متهم در بستر دادرسی*، عادلانه مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۷-۵۶.
- ۲۵- سادات، رضا (۱۳۸۲)، *تجارت زرد «نگاهی به وضعیت قاچاق انسان»*، مجله مهر، ش ۶.

- ۲۶- ساکت، محمدحسین (۱۳۶۵)، *نهاد دادرسی در اسلام*، چاپ اول، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۲۷- سرخسی، شمس‌الدین (۱۴۰۶ ه.ق)، *المبسوط*، ج ۸، بیروت، دارالمعرفه.
- ۲۸- سلیمی، صادق (۱۳۸۳)، *قاجاق انسان به عنوان جنایت سازمان‌یافته فراملی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۶۴.
- ۲۹- سماواتی پیروز، امیر (۱۳۸۴)، *ناتوانان بزهدیده: از بایسته‌های جرم‌شناختی تا قوانین و مقررات کیفری*، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۳-۵۲.
- ۳۰- شعبان‌زاده تالارپشتی، مهدی (۱۳۸۷)، *حمایت‌های حقوقی از اطفال بزهدیده*، روزنامه رسالت، ش ۲۴۲۰۹.
- ۳۱- شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش (۱۳۷۷)، *نظریه‌های اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسایل کیفری*، ج ۱، چاپ دوم، تهران، روزنامه رسمی کشور.
- ۳۲- صادق نژادنائینی، مجید (۱۳۸۸)، *انواع حمایت از بزهدیدگان جرم قاجاق انسان در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، با راهنمایی علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷.
- ۳۳- صدوق، محمدبن‌علی (۱۴۰۴ ه.ق)، *من لایحضره الفقیه*، ج ۱، چاپ اول، بی‌جا، جامعه مدرسین.
- ۳۴- طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ج ۱۳ و ۱۵، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- ۳۵- فرح‌زادی، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، *معرفی اجمالی اصول بنیادین دادرسی در اسلام*، دیدگاه‌های حقوقی، ش ۲۰-۱۹.
- ۳۶- فضائلی، مصطفی (۱۳۸۷)، *دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی*، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
- ۳۷- فهرستی، زهرا و سرچمی، زیبا (۱۳۸۶)، *تجارت زنان و کودکان از دیدگاه فقهای شیعه و بررسی علل و اهداف آن*، فصل‌نامه بانوان شیعه، ش ۱۴-۱۳.

- ۳۸- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸.
- ۳۹- قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹.
- ۴۰- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱.
- ۴۱- قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۱۳۸۳.
- ۴۲- قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم) مصوب ۱۳۷۵.
- ۴۳- کیتی شیایزری، کریانگ ساک (۱۳۸۳)، *حقوق بین‌المللی کیفری*، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- ۴۴- گزارش سازمان دفاع از قربانیان خشونت، *نگاهی به پدیده قاچاق انسان و زنان (۲)*، تهران.
- ۴۵- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴)، *ادله اثبات دعوا*، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
- ۴۶- لایحه آیین دادرسی کیفری.
- ۴۷- لایحه حمایت از شهود و متهمان.
- ۴۸- موثقی، احمد و اسفندیاری، گلپر (۱۳۸۷)، *قاچاق انسان: بردگی در عصر جدید*، فصل‌نامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳.
- ۴۹- میرزایی، اسداله (۱۳۸۴)، *حمایت از بزه‌دیدگان و شهود در برابر تهدید در فرایند دادرسی کیفری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه مازندران.
- ۵۰- منتسکیو (۱۳۶۲)، *روح القوانین*، ترجمه و نگارش علی‌اکبر مهتدی، چاپ هشتم، تهران، موسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۵۱- مقررات استخدامی نیروی انتظامی مصوب ۱۳۷۴/۴/۲۷.
- ۵۲- موذن‌زادگان، حسنعلی، *اصول دادرسی کیفری از دیدگاه امام علی (ع)*، فصل‌نامه مصباح، ش ۳۴، سال نهم.

- ۵۳- محمدی گلپایگانی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۸۲)، *جرعه‌ای از زلال قرآن*، ج ۳، چاپ اول، قم، بوستان کتاب قم.
- ۵۴- محمصانی، صبحی (۱۳۴۶)، *فلسفه قانونگذاری در اسلام*، ترجمه اسماعیل گلستانی، چاپ دوم، تبریز، کتابفروشی امید یزدانی.
- ۵۵- نوبهار، رحیم (۱۳۸۵)، *قاچاق زنان برای روسپی‌گری از منظر آموزه‌های اسلامی با نگاه به مقررات بین‌المللی و حقوق ایران*، فصل‌نامه مدرس علوم انسانی، ش ۳.
- ۵۶- نیکوئی، سمیه (۱۳۸۵)، *الزامات علنی بودن دادرسی کیفری در پرتو دادرسی عادلانه*، مجله حقوقی دادگستری، ش ۵۷-۵۶.
- 57- Brussels Declaration Preventing and Combating Trafficking in Human Beings (2002), Available at: www.Belgium.iom.int/stopconference/conference%20papers/brudeclaration.pdf.
- 58- Carrington, Kerry and Hearn, Jane: *Trafficking and the Sex Industry from Impunity to Protection*, Information, Analysis and Advice for the Parliament, Commonwealth of Australia, 2003.
- 59- Chinkin, C.: *Due Process and Witness Anonymity*, 94AJIL, (1997), Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power, 1985.
- 60- Door son V. the Netherlands, 26 March 1996, OEA/Ser. L/V/II.95,Doc7 Rev.1997, at 658&736 (Quoted by: Amnesty International to the Islamic Republic of Iran, First Publish 1987 by Amnesty International Publication.
- 61- Door son V. The Netherlands, 26March1996, 2 Ser, A470.
- 62- Edwards, Alice: *Traffic in Human Beings: At the Intersection of Criminal Justice, Human Rights, Asylum/ Migration and Labor*, vol. 36:1, 2007.
- 63- EGM: *The United Nations Response to Trafficking in Women and Girls*, Prepared by Division for the Advancement of Women,

- Department of Economic and Social Affairs (DESA), United Nations, New York, November 2002.
- 64- Farajiha Ghazvini, Mohammad: ***Police Protection to Victims of Crime***, Deep and Deep Publication, New Dehli, 2002.
- 65- Global Programmer Against in Human Neings, ***Toolkit to Combat Trafficking in Persons***, United Nations, New York, 2006. Available at: www.UN.org.
66. <http://www.quranology.com/porsesh/porsesh101-200/porsesh113.htm>
- 67- <http://www.world> Society of Victimology.org.
- 68- ILO, UNICEF & UN.GIFT: ***Training Manual to Fight Trafficking in Children for Labour, Sexual & Other forms of Exploitation***, Text Book1; Understanding Child Trafficking, First Published 2009.
64. 69. Orhant, Melanie: ***Trafficking in Persons***, reproductive health and Rights-reaching the Hardly Rreached. Available at: <http://www.path.org/files/RHR-Article-1.pdf>
- 70- Piper, Nicola: ***A Problem by a Different Name? A Review of Research on Trafficking in South-East Asia and Oceania***, International Migration, Vol.43 (1/2), Published by Blackwell Publishing Ltd., 2005.
- 71- Protocol to Prevent, Suppress & Punish Trafficking in Persons, Especially Women & Children, 2000.
72. The United Nation Convention against Transnational Organized Crime, 2000.
- 73- Tumlin, Karen C.: ***Trafficking in Children and Women: A Regional Overview***, Asian Regional high-level Meeting on Child Labour, Jakarta, Indonesia, 8-10 March 2000, Institute of Asian Studies Chulalongkorn University (Thailand).
- 74- United Nation Convention Against Corruption, A/RES/58/4, 31 October, 2003.
- 75- United Nation Cnvention on Justice and Support for Victims of cCrime and aAbuse of Power, Latest Draft, 14 Nov, 2006.

- 76- UNODC: *Good Practices for the Protection of Witnesses in Criminal Proceedings Involving Organized Crime*, United Nations publication, New York, 2008.
- 77- UNODCCD: *Guide for Policy Markers on the Implementation of the UN Declaration of basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power*, New York, 1999.
- 78- [www .Unoac.org/Pdf-witnead-protection-2002.Pdf](http://www.Unoac.org/Pdf-witnead-protection-2002.Pdf).